

متن پرسش

سلام و درود بر شما. آقای طاهر زاده عزیز و دوست داشتنی، بنده شما را از چند سال قبل می‌شناختم و این اواخر توجه بیشتری به شما و آثارتان داشته‌ام. تفکر و احساسم این است که باید چند نکته را بیان کنم. می‌دانید، هر چه نگاه‌ها به یک فرد بیشتر باشد میزان الگو پذیری (آگاهانه یا نا آگاهانه، از سر تفکر و منطق یا هیجان و عواطف) از فرد (تفکر او، شخصیت او، و یا چیزی که از فرد برای خود ساخته‌اند) افزایش خواهد یافت، به تبع این امر مسئولیت آن فرد سنگین‌تر خواهد شد، حتی برای گفتن به کلمه، حتی برای یک اظهار نظر، حتی برای یک سلام! شما نیز، آقای طاهر زاده، در چنین وضعیتی قرار دارید (حداقل، فعلاً، برای عده‌ای). راستش از شما انتظار نمی‌رود که پاسخ‌های پرسش‌های پرسش‌کننده را این‌گونه رسمی، سرد، کوتاه، گاهی کاملاً بی‌ربط و گاهی اشتباه پاسخ‌گویند. خیلی مواقع خیلی حرف‌ها، گفته نشود، خیلی خوشایندتر است تا حرف‌های سرد و مرده و بی‌جان و تشریفاتی. یک بار از اصغر طاهر زاده بیرون بیایید و به اصغر طاهر زاده نگاه کنید، نگاهتان (حداقل در این پرسش و پاسخ‌ها) بیشتر نگاه عاقل‌اندر سفیه است تا چیز دیگر. قطعاً فردی که همنشین خداست (با یاد او) در زبان نیز شیوا و گرم و خوشایند و دلچسب است. گاهی در می‌مانم در افراد، در می‌مانم در تناقضات. در مواردی پرسش‌ها از منظر روان‌شناختی ارائه شده است و جواب‌های شما غلط و گمراه‌کننده بوده است (و نیز مسایل روان‌شناختی در ارتباط با خانواده، ازدواج، زن و مرد و...). انتظارها از شما بیشتر بود. بسیاری نقاط مبهم نیز در بیانات شما وجود دارد که کاملاً واضح است نه شما خوب درکشان کرده‌اید نه قابل انتقال هستند، نوعی دیدگاه افراطی به مسایل و نادیدن خیلی چیزها. برای الگو بودن باید جامع بود چون فرد الگو بردار گزینشی عمل نمی‌کند (خصوصاً وقتی از عینک عواطف و گاهی هیجانات به الگو می‌نگرد). بنده را به خاطر جسارت و بی‌ادبی‌ام به محضرتان عفو کنید. امیدوارم که همه اینها خیالاتی بیش نباشد و من در اشتباه باشم.

متن پاسخ

باسمه تعالی؛ علیک السلام ضمن تشکر از توصیه‌هایی که فرمودید. حقیقت این است که سؤالی که از ما می‌شود اگر جواب آن سؤال را بدانیم باید بدهیم و این‌که می‌فرمایید چرا مختصر یا مبهم جواب می‌دهم، خودتان را جای بنده قرار دهید که توان بنده همین اندازه است حال یا از جهت اطلاعات و یا از جهت فرصتی که در اختیار دارم، گمانم آن است که سؤال‌کننده آن‌چه را باید بگیرد می‌گیرد. در مورد این‌که می‌فرمایید بعضی جواب‌ها از منظر روان‌شناختی غلط و گمراه‌کننده است؛ ای کاش موارد را

می‌فرمودید تا بهتر بتوانم بر آن تأمل کنم. البته بنده جواب سؤالات را تا آن‌جا که بتوانم مبتنی بر مبانی دینی می‌دهم و شدیداً تلاش می‌کنم که از دستگاه روان‌شناسی فاصله بگیرم چون انسانی که روان‌شناسی می‌شناسد و برای آن دستورالعمل می‌دهد تماماً با انسانی که اسلام مدّ نظر دارد فرق می‌کند. پس اجازه دهید از این جهت نظرم با شما متفاوت باشد و باز تأکید می‌کنم در فضای آزاداندیشی بسیار مسرور می‌شوم که به جواب‌هایی که می‌دهم □ با ذکر مورد □ اشکال کنید و بنده حتماً اشکال شما را مدّ نظر قرار می‌دهم. موفق باشید